

پذیرایی واثق و دوستانش در یک «محبان حضرت رقیه (س)» دوستی

قلب های ما را به ده



شناسایی کسانی بودند که نیت رفتن به کربلا را داشتند. این افراد در برابر تحویل هر زائر به مأموران صدام، جایزه خوبی دریافت می کردند. شیعیان اجازه برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) در ماه محرم را نداشتند. افراد جاسوس در همه جا بودند و امکان لو رفتن مراسم وجود داشت اما با وجود این همه اختناق و ترس، شیعیان با پیروی از قیام و ظلم ستیزی امام حسین (ع)، دست به قیام های متعددی زدند و اگر حمایت کشورهای خارجی و همچنین پشتیبانی کشورهای عرب نبود، خیلی زودتر از این ها حکومت او را سرنگون کرده بودند.»

حضور در کربلا برای شکرگزاری

همان گونه که هیچ ظلمی پایدار نخواهد ماند، حکومت مستبدانه صدام نیز به پایان رسید و مردم عراق برای تشکر از این سرنگونی به زیارت امام حسین (ع) رفتند. واثق که خود شاهد این موضوع بوده است، می گوید: «با وجودی که صدام جنایات زیادی علیه مردم عراق انجام داد تا به خیال خود حکومتش را حفظ کند، سرانجام با دعا های مردم و عنایت امام حسین (ع)، همان کسانی که او را به قدرت رسانده بودند، سرنگونش کردند. آن روز را هرگز فراموش نخواهم کرد. همه شاد و مسرور بودند و این روز بزرگ را به یکدیگر تبریک می گفتند. خیلی ها به مساجد رفتند و نماز شکر خواندند. تعداد زیادی از مردم عراق به ویژه شیعیان سوار بر خودرو یا با پای پیاده به طرف کربلا حرکت کرده و باز یارت مرقد امام حسین (ع)، دلتنگی های چندین ساله خود را برای آن حضرت بازگو کردند. گروهی عکس فرزندان، پدران و مادران خود را که رژیم صدام آن ها را به شهادت رسانده بود، با خود آورده بودند. دیدنی ترین صحنه این زیارت، افرادی بودند که در زمان رژیم صدام به جرم زیارت امام حسین (ع) و عزاداری برای او زندانی و شکنجه شده بودند. همه این افراد آمده بودند که به امام حسین (ع) بگویند تا پای جان پای بند اعتقاد خود هستند.»

اولین اربعین و پذیرایی از زائران حسینی

مردم عراق به شکرانه سرنگونی صدام و نشان دادن ارادت خود به امام حسین (ع)، رسم دیرینه پذیرایی از زائران حسینی را که در طول ۲۵ سال حکومت مستبدانه صدام ممنوع شده بود، دوباره احیا کردند. واثق و خانواده اش نیز در اولین اربعین حسینی موبک پذیرایی از زائران کربلا را برپا می کنند. واثق می گوید: «چند هفته ای به شروع ماه محرم باقی مانده بود. جمعیت زیادی برای زیارت اربعین آماده شده بودند. با وجودی که مردم عراق به دلیل جنگ و بیکاری دچار فقر شدید بودند و در تأمین مایحتاج اولیه زندگی

گریه برای ایرانیان اخراجی

واثق ۳۷ سال دارد. او یکی از سه جوان عراقی میهمان جمع ماست که مسئولیت موبک خادمان حسینی را در کربلا به عهده دارد. او که از دیگران بیشتر به فارسی مسلط است، به نمایندگی از بقیه شروع به صحبت می کند. واثق معتقد است که ایران و عراق یکی است و امام حسین (ع) رهبر و نقطه اوج این وحدت و یگانگی. او با شیعه خواندن هر دو ملت می گوید: «مردم عراق و ایران هر دو شیعه هستند و به خاطر قرار گرفتن زیارتگاه شش امام شیعه در عراق، ایرانی ها قرن هاست که برای زیارت امام حسین (ع) و دیگر امامان خود، به عراق رفت و آمد می کنند. ایرانی های بسیاری به دلیل همین عشق و علاقه، ساکن عراق شده اند. محلاتی نیز به نامشان بوده و با هم ازدواج کرده اند. شیعه بودن و اعتقاد به امام حسین (ع) نقطه مشترک این وحدت بوده است.» او می افزاید: «پدر بزرگم تعریف می کرد هیچ گونه کدورت و دشمنی بین ملت ما و ملت ایران وجود نداشته و باعث و بانی این دشمنی، صدام ملعون بوده است. با روی کار آمدن صدام و سر دادن شعارهای ملی گرایانه توسط او، حکومت بعث، رویه دشمنی با ایرانی ها را شروع کرد. به گفته پدر بزرگم، زمانی که صدام دستور اخراج ایرانی ها را صادر کرد، عراقی ها با چشمان اشکبار همسایگان ایرانی خود را بدرقه و روانه می کردند. در دوران جنگ نیز شیعیان شهرهای عراق، مقاومت زیادی از خود نشان دادند تا به جنگ با ایرانی ها نروند اما سرانجام با تهدید به قتل و تبعید خود و خانواده شان از طرف حزب بعث، مجبور به حضور در جبهه های جنگ شدند.»

شکنجه و قتل برای زیارت امام حسین (ع)

با روی کار آمدن حزب بعث، صدام سختگیری درباره شیعیان عراق را افزایش می دهد و با تهدید به شکنجه و قتل قصد دارد مانع زیارت امام حسین (ع) شود. واثق می گوید: «صدام نیز مانند سلف خود متوکل عباسی، از عشق و علاقه مردم به امام حسین (ع) وحشت داشت. او اعلام کرده بود هیچ کس حق برگزاری عزاداری برای امام حسین (ع) و زیارت قبر حضرت را ندارد. پدر بزرگم می گفت صدام در مسیر تمام راه های منتهی به کربلا، مأمورهایی گماشته بود که با دیدن کوچک ترین حرکت مشکوک و رفت و آمدی بر خورد می کردند، اما زائران شیعه به صورت مخفیانه در گروه های دو یا سه نفره به سمت کربلا حرکت می کردند. آن ها در طول روز استراحت می کردند و شب هنگام به سمت کربلا می رفتند. اگر مأموران بعث یکی از این زائران را شناسایی می کردند، معلوم نبود چه سرنوشتی در انتظار او بود. مأموران رژیم بعث حتی با اجیر کردن افراد محلی به دنبال

بزرگ ترین موبک اربعین

واثق بعد از برپایی اولین موبک اربعین، مصمم به ادامه این راه و برپایی موبک اربعین در سال های بعد می شود؛ موبکی که امروز بعد از گذشت ۱۵ سال به یکی از موبک های بزرگ اربعین تبدیل شده است. او می گوید: «اولین موبک اربعین که به پایان رسید، عزم را جزم کردم که این موبک را در اربعین سال